

## اعتبار بازیگری

آقای محمدعلی کشاورز  
برایم از معدود بازیگران  
بسیار شاخص بود.  
فکر کنم نه برای من  
بلکه برای خیلی‌ها  
این‌طور بود و هم بین همکاران و هم میان  
مردم جایگاه ویژه‌ای داشت. او جزو چند بازیگر  
قدیمی و پیشکسوتی بود که به بازیگری اعتبار  
بخشید. این بازیگران بزرگ، با شخصیت و  
سالم زندگی کردند و محبوبیت زیادی هم  
داشتند.

سال ۶۲ یا ۶۳ جزو بازیگرانی بودم که در  
تمرینات نمایش گالیله به کارگردانی آقای  
حمید سمندریان حضور داشتم. این یکی از  
دفعاتی بود که آقای سمندریان می‌خواست  
نمایش گالیله را کار کند و آن را روی صحنه ببرد.  
آقای کشاورز نقش گالیله را داشتند. چقدر  
هم این شخصیت را قابل باور بازی می‌کردند.  
من قبلاً همکاری درخشان دیگری از آقایان  
سمندریان و کشاورز در نمایش مرغ دریایی  
دیده بودم که آقای کشاورز نقش دکتر دورن را  
به شکل بسیار دیدنی و جذاب بازی می‌کردند.  
آقای کشاورز همان قدر که در این نمایش‌ها  
نقش‌های غیرایرانی را خیلی خوب و قابل  
باور بازی می‌کرد، در فیلم‌های سینمایی و  
سریال‌های تلویزیونی هم در نقش‌های  
ایرانی حضور درخشانی داشت، به‌خصوص در  
کارهای زنده‌یاد علی حاتمی.

او از جمله بازیگرانی بود که چه در نقش‌های  
ایرانی و چه نقش‌های خارجی، همان آدمی  
بود که شما به عنوان تماشاگر انتظار داشتید.  
این مساله حتی در میان بسیاری از بازیگران  
خوب ما هم چندان دیده نمی‌شود، یعنی  
شما بعضی از بازیگران برجسته را می‌بینید که  
نقش‌های ایرانی را خیلی بهتر بازی می‌کنند و در  
این نقش‌ها قابل قبول‌تر هستند تا در نقش  
کاراکترهای خارجی.

درگذشت آقای کشاورز برایم مایه تأسف  
شد، چون همیشه او را از جهت جسمی مرد  
قدرتمندی می‌دانستم. سال‌ها پیش که با هم  
کار می‌کردیم، هیچ وقت تصور مرگ را درباره  
ایشان نداشتم. فارغ از این، من همیشه به  
بازیگران برجسته‌ای چون آقای کشاورز نگاه  
می‌کردم، این که آدم چطور می‌تواند در کار و  
حرفه خودش و بین همکاران موفق و در میان  
مردم هم محبوب و دوست‌داشتنی باشد. آدم  
باید یاد بگیرد و اگر توانست به راه چنین افراد  
بزرگی ادامه دهد.

در سریال پدرسالار ما یک خانواده بودیم.  
طی همه این سال‌ها وقتی در خیابان راه  
می‌رفتم، برخی از من می‌پرسیدند حال آقای  
کشاورز چطور است. نه تنها خودمان در یک  
خانواده بودیم، بلکه مردم هم چنین تصویری  
داشتند که انکار من پسر واقعی آقای کشاورز  
هستم. به هرحال برای بازماندگان آقای  
کشاورز آرزوی صبر می‌کنم و به همه  
همکاران هم تسلیت می‌گویم.



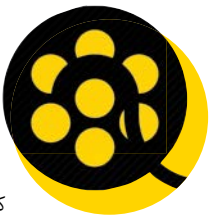
خواندنی

## انتشار کتاب درباره فوکو و انقلاب ایران

کتاب «بازخوانی آرای فوکو پیرامون انقلاب ایران» شامل ترجمه مقالاتی  
حول نوشته‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران است که با  
مقدمه و همچنین با محوریت مقاله «رعدی در آسمان آبی، انقلاب ایران در  
اندیشه فوکو» دکتر بهروز قمری تبریزی استاد مطالعات خاورمیانه دانشگاه  
پرنستون منتشر خواهد شد. / مهر

## انیمیشنی برای حماسه «گیلگمش»

ساخت انیمیشن «گیلگمش» به کارگردانی حسین مرادی‌زاده و تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و  
نوجوانان آغاز شده است. به گفته مرادی‌زاده، این پویانمایی به مدت ۱۰ دقیقه با تکنیک نقاشی رنگ‌وروغن  
و استفاده از دیگر رسانه‌ها در حال ساخت است. این پویانمایی بر گرفته از کتابی با همین نام از انتشارات  
کانون است که قصه سفر پرماجرایی «پادشاه اوروک» برای دستیابی به جاودانگی را روایت می‌کند. اتفاق‌هایی  
که در این راه رخ می‌دهد باعث می‌شود او دریابد زندگی با مرگ معنا پیدا می‌کند. / جام‌جم دبی



## انتشار خلاصه‌ای از شاهکارهای تورگنیف

انتشارات کتاب نیستان خلاصه‌ای از دو رمان «آشیانه اشراف» و «پدرها و پسرها» اثر تورگنیف را منتشر کرد.  
تورگنیف رمان‌نویس، شاعر و نمایشنامه‌نویس روس، برای نخستین بار کشورهای غربی را با ادبیات روسی  
آشنا کرد. آثار او تصویری واقع‌گرایانه و پرعطوفت از دهقانان روس و بررسی تیربینانه‌ای از طبقه روشنفکر  
جامعه روسیه ارائه می‌دهد و از این منظر آثار وی به ویژه رمان آشیانه اشراف، ستودنی و خواندنی است. کتاب  
نیستان رمان آشیانه اشراف را در ۲۱۶ صفحه با قیمت ۴۵ هزار تومان روانه بازار کتاب کرده است. / مهر



## خدا حافظی با پدرسالار در ماه آخر بهار

محمدعلی کشاورز دیروز در ۹۰ سالگی درگذشت

تاسینمای ایران یکی دیگر از نماینده‌های نسل طلایی خود را از دست داده باشد

«۹۰ سال است خوشبختم»؛ این را محمدعلی کشاورز همین دو ماه پیش در حالی به خبرنگار روزنامه جام‌جم گفت که کیک تولد ۹۰ سالگی‌اش را  
همراه یک‌گلدان فرستاده بودیم خانه‌اش. امروز که او دیگر بین ما نیست، دقیقاً دو ماه از انتشار آن گفت‌وگو که واپسین مصاحبه پدرسالار  
سینمای ایران با رسانه‌ها هم بود، می‌گذرد. در سال‌های اخیر ما آن قدر خوشبخت بودیم- البته حتماً نه آن قدر که خودش بود- که فروردین‌ها  
مهمان خانه‌اش می‌شدیم، روبه‌رویش می‌ایستادیم تا کیک ۸۲ سالگی، ۸۳ سالگی، ۸۴ سالگی و همین‌طور تا همین فروردین امسال کیک  
۹۰ سالگی‌اش را فوت کند و هر بار به ما جوان‌ها امید بدهد و بگوید این زندگی با همه فراز و فرودهایش شیرین است. مثل کارنامه خودش که  
از هر جای آن قند برداری و گوشه لب بگذاری، آن قدر شیرین است که تلخی و گسی سر گل چای چین اول لاهیجان را هم مثل شربت هورت  
بکشی. چه می‌ماند که توشه راهتان کنیم آقای کشاورز عزیز؟ جز این که ممنونیم معاصر ما بودید؛ معاصر تاریخی پر فراز و فرود که شما یکی از  
تصویرگران قهار آن بودید. این‌جا از بین همه گفت‌وگوهایی که در این سال‌ها با محمدعلی کشاورز صورت دادیم، پنج گفت‌وگو را گزین کرده‌ایم تا  
مروارید کنیم حرف‌های آینه‌نمای تمام مهربانی در سینمای ایران را.

صابر محمدی  
ادبیات و هنر

## کابوس ببینید از تنهایی درمی‌آیید!

۲۱ شهریور ۱۳۸۰

گفت‌وگوکننده: پدram پاک‌آیین

همه آدم‌ها تنها هستند، شما هم تنهایی. فکر می‌کنید حالا  
که دارید با من حرف می‌زنید، تنها نیستید؟ شما دارید مصاحبه  
می‌کنید تا از تنهایی‌تان فرار کنید؛ اگر هم بگویید روزنامه‌نگار  
هستم و به شغل علاقه دارم، به خودتان دروغ گفته‌اید.  
واژه کابوس را آدم‌ها برای رفع تنهایی‌شان پیدا کرده‌اند.  
موسیقی تنهایی‌های من؟ صدای کوه‌ها و رودخانه‌های کشورم.  
شب قوزی، رگبار و خشت و آینه بهترین فیلم‌های سینمای  
ایران هستند.



## هنرمند، طبیب روح مردم است

۲۱ خرداد ۱۳۹۱

گفت‌وگوکننده: محبوبه ریاستی

دوست دارم پیش از این که اتفاقی برایم بیفتد، به  
مخاطبانم و به‌خصوص جوانانی که می‌خواهند قدم به عرصه  
بازیگری بگذارند بگویم سعی کنند گاهی با خود خلوت کنند و  
رفتار خود را مورد بازبینی قرار دهند.  
هنوز نقدهایم را به یاد دارم، اما زیباترین نقش من نقشی  
است که مردم آن را پسندیده و دوستش دارند.  
سال‌ها پیش تئاتری بازی می‌کردم به اسم «بختک» که با این  
جمله شروع می‌شد: «کابوس وحشتناکی است به محاکمه خود نشستن که از بار گناه کاستن». واقعا کار  
وحشتناکی است. نمی‌دانم شاید در شهر نی سواران باید سوار نی شد. گرچه این هم درست نیست.



## ۹۰ سال است خوشبختم

۲۶ فروردین ۱۳۹۹

گفت‌وگوکننده: ساناز قنبری

نوروز بسیار عجیبی داشتیم. قرار بود خترم که در اروپا زندگی می‌کند برای نوروز به ایران  
بیاید، ولی با این اتفاقات امکانش میسر نشد. عمیقاً نگران تک‌تک مردم خوب این مملکت و  
البته تمام دنیا هستم و امیدوارم هر چه زودتر راه نجاتی برای کل انسان‌ها پیدا شود. فرصت  
خوبی است که تشکر ویژه‌ای هم داشته باشم از تمام پزشکان، پرستاران و تمام کسانی که برای

## تنهایی دونده استقامت

تسلیت عرض می‌کنم عالیجناب علی نصیریان. چه کار  
سختی است درک حال شما در این لحظات. شما حالا تنها  
باقیمانده آن پنج نفر بازیگری و آن پنج چهره ماندگار نسل  
اول بازیگری تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران هستید.  
آقایان داوود رشیدی، عزت... انتظامی، جمشید مشایخی و  
حالا محمدعلی کشاورز، به تدریج جمع شما را کم و آن را ترک کردند و دیگر شما  
مانده‌اید و رنج مرور انبوه خاطرات. حتماً آقای کشاورز ۳۰ ساله را در سال ۱۳۳۹ به یاد  
می‌آورید، وقتی آمده بود تا در تله‌تئاتر «خودکشی» به کارگردانی شما بازی کند. بعد از  
آن همکاری‌های دیگر پیش آمد و رفاقتی دیرپا شکل گرفت. گرچه بخت تماشای

علی رستگار  
سینما

همکاری‌هایتان در تئاتر را نداشتیم، اما خوش شانس بودیم که یادگارهای  
تصویری‌تان را در آثار مختلفی چون آقای‌هالو، هزارستان، کمال‌الملک، کنش‌های  
میرزا نوروز و پول خارجی دیدیم. ببخشید ما را که اگر قرار به تعریف عینی و  
مصادق تنهایی باشد، باید از شما، تنهای تنها از شما در این لحظه  
به عنوان تنهای‌ترین نام ببریم. تنهای‌ترین بازیگری که با آن چشم‌های  
درشت و براق شرقی پر اشک، مایل و غمگانه در گوشه‌ای به دیوار  
تکیه داده و به این راه دراز و درخشانی می‌نگرد که با همسواران  
یگانه‌ای چون انتظامی، کشاورز، مشایخی و رشیدی طی کرده و چه  
خوشبخت و عافیت بخیرند آن بازیگرانی که به این مسیر  
درست و غبطه‌برانگیز اقتدا می‌کنند و در آن پیش  
می‌روند. با وجود اذعان به اندوه بزرگ این

از دست دادن‌های مکرر و آرزوی صبر و شکیبایی برایتان، اگر اجازه بدهید، از ما  
نخواهید که شما را در مراسم احتمالی وداع با استاد کشاورز تصور کنیم. خوش  
داریم شما را در یکی از آن دیدارهای دوستانه همیشگی با ایشان به یاد بیاوریم.  
همان‌جا که وسط صحبت، بی‌هوا به آقای کشاورز گفتید: «علی! می‌خوام به  
ذره برات آواز بخونم.» و او چه سر ذوق می‌آید و می‌گوید: «و چه صدایی داره  
علی نصیریان.» شمامی‌گویید: «الان دیگه اون صدایم ندارم!» و شما با صدای  
خسته‌ای که هنوز می‌شد ردیابی از آوایی خوش در گذشته را در آن یافت،  
خواندید: «صلاح کار کجا و من خراب کجا، ببین تفاوت ره از کجاست تا به  
کجا» اینجاست که دست گرم کشاورز را می‌گیرید و آن را به رسم  
رفاقتی بیش از نیم قرن می‌فشارید و چه حال خوبی  
دارید هر دو... آخ! فدای تنهایی‌تان آقای نصیریان.



## می‌خواستم پزشک شوم، از حال رفتم!

۱۲ آذر ۱۳۸۲

گفت‌وگوکننده: فاطمه مرادزاده

شعر شاعران ما کل سرسید دنیاست و حیف است  
جوان‌های ما با آن مانوس نباشند. من از بچگی و از وقتی یادم  
می‌آید، دیوان شعر مولانا و فردوسی را در اختیار داشته‌ام  
تا به امروز که هنوز در خلوت تنهایی، همدم و مونس من هستند.  
اولین بازی حرفه‌ای من در ۲۴ سالگی و در تئاتر «هایوهی بسیار  
برای هیچ» اثر ویلیام شکسپیر بود به کارگردانی مصطفی اسکویی.  
زبانم بند آمده بود. هول شدم و بدنم می‌لرزید. آخر تا آن روز در  
حضور چنین جمعیتی در یک جایگاه رسمی بازی نکرده بودم.



## هر روز عشق، بیشتر و صبر کمتر است

۲۶ فروردین ۱۳۹۵

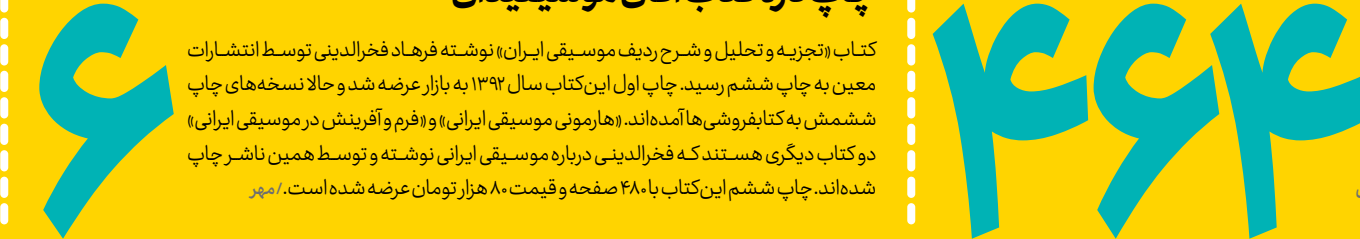
گفت‌وگوکننده: علی رستگار

مثل علی نصیریان نداریم و او واقعا یکی از نجیب‌ترین و  
باخلاق‌ترین هنرمندان ایران است. او کمی پیش از عید به  
خانه‌ام آمد و با صدای خیلی خوش برایم آواز خواند.  
deserto dei Tartari II (صحرای تاتارها) تنها فیلم حرفه‌ای  
سینمای جهان است که بخشی از آن در ارگ بم فیلمبرداری شد.  
یکی از بهترین همکاری‌های دوران بازیگری من هم با آنتونی  
کوئین، بازیگر برجسته و توانای سینمای جهان بود. سال‌ها بعد  
او را به طور اتفاقی در انگلیس دیدم و او مرا برای زندگی و بازی در تئاتر و سینما نزد خودش دعوت کرد، اما ضمن  
تشکر از محبت او گفتم: من به جز وطن ایران در هیچ جای دنیا کار نمی‌کنم.



## چاپ تازه کتاب آقای موسیقیدان

کتاب «تجزیه و تحلیل و شرح ردیف موسیقی ایران» نوشته فرهاد فخرالدینی توسط انتشارات  
معین به چاپ ششم رسید. چاپ اول این کتاب سال ۱۳۹۳ به بازار عرضه شد و تا نسخه‌های چاپ  
ششمش به کتابفروشی‌ها آمده‌اند. «هارمونی موسیقی ایرانی» و «فرم و آفرینش در موسیقی ایرانی»  
دو کتاب دیگری هستند که فخرالدینی درباره موسیقی ایرانی نوشته و توسط همین ناشر چاپ  
شده‌اند. چاپ ششم این کتاب با ۴۸۰ صفحه و قیمت ۸۰ هزار تومان عرضه شده است. / مهر



## سینما و سمفا

محمدرضا فرجی مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم از آغاز فعالیت  
«سمفا» با ۴۶۴ سالن سینما خبر داد و توضیح داد: ۱۰ سینما با ۴۶۴ سالن  
به سمفا وصل شده‌اند. فرجی با اشاره به اسامی فروشنده‌های برخط گفت:  
این فروشنده‌ها عبارتند از آپ، ایران‌تیک، سینما بلیت و سینما تیکت، که  
مخاطب می‌تواند از هر یک از این چهار سامانه، بلیت خود را خریداری کند. / فارس